

یادگیری با بزرگ‌نمایی

نورالله صیدی

آموزگار پایه‌ی چهارم دبستان دانش آبدانان



دختر روستایی در حال خالی کردن آب از مشک

یکی

از پایگاه‌های بسیج مراجعه

کردیم و برای اعزام به جبهه‌های جنگ تحمیلی فرم پر کردیم. وقتی به اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه‌ی خودمان، یعنی بزمان مراجعه کردیم و فرم را تحویل دادیم، در پاسخ گفتند، خدمت به بچه‌های این منطقه، از رفتن به جبهه واجب‌تر است و ما را دوباره به محل خدمت بازگرداندند.

یادم می‌آید، من و همکارانم با شوق و ذوقی فراوان به امر تدریس مشغول بودیم و از یاد دادن به بچه‌های آن‌جا لذت می‌بردیم. این موضوع تنها دل خوشی ما بود.

... و اما پس از سه سال، بخش‌نامه‌ی صادر شد که معلمان غیربومی را به استان‌های خودشان انتقال دهند. این کار در سال ۱۳۶۶ صورت گرفت. من به تهران منتقل شدم و از طریق اداره‌ی کل آموزش و پرورش، به منطقه‌ی ۲۰ فرستاده شدم که امروزه شهرری است و خود دو ناحیه دارد. من جزو کارکنان آموزش و پرورش شهرری محسوب می‌شوم.

خلاصه‌وقتی وضعیت مدرسه‌های این منطقه را با مدرسه‌های روستایی و کپرنشین بلوچستان مقایسه می‌کنم و از زبان معلمان این‌جا می‌شنوم که مثلاً فلان روستا در حسن آباد و یا شورآباد چه قدر محروم است، در ذهنم آن‌ها را مقایسه می‌کنم با روستاهایی که بچه‌هایش سال‌های سال رنگ نزدیک‌ترین شهر را هم به خودشان ندیده‌اند. نمی‌دانم بالاخره محرومیت یعنی چه؟ آیا آن‌ها از امکانات محروم هستند یا معلمانی که در دورترین روستای این منطقه هم که باشند، باز هم از امکاناتی برخوردارند که هنوز بسیاری از دانش‌آموزان کشورمان به آن‌ها دسترسی ندارند؟ و اکنون که بیش از ۲۵ سال سابقه‌ی معلمی دارم، هنوز هم عاشق یاد دادن به بچه‌ها هستم.

در اواخر آبان‌ماه امسال بچه‌ها را به پژوهش‌سرای شهرمان بردم؛ پژوهش‌سرای بی که حدود سه سال پیش افتتاح شده است و شواهد نشان می‌دهد، متأسفانه استقبال از آن بسیار کم بوده است. از آن‌جا که در کتاب علوم تجربی پایه‌ی چهارم، مطلبی در ارتباط با سلول و مفهوم آن داریم، بهترین مکان برای تدریس «سلول» را پژوهش‌سرا دانستم.

با هماهنگی و طی مراحل اداری، با بچه‌های کلاس به پژوهش‌سرا رفتیم. حدود هشت میکروسکوپ با بزرگ‌نمایی ۱۰۰۰ برابر، دور میزهای مخصوص آزمایش چیده شده بودند. بچه‌ها پیاز، برگ تره و برگ درختان گوناگون را همراه خود آورده بودند. سلول‌های خون، پوست، مو، ساقه‌ی گیاه و... هم روی لام آماده داشتیم. بچه‌ها را گروه‌بندی کردم و از آن‌ها خواستم مشاهدات خود را هم نقاشی کنند. از پژوهش‌سرا که برگشتیم، نقاشی‌ها را که بسیار دقیق بودند، در یکی از کلاس‌ها روی دیوار نصب کردم و عملاً یک نمایشگاه تشکیل شد.

تنوع در تدریس برای بچه‌ها لذت‌آور است. به‌علاوه، **یادگیری باید حاصل تلاش فکری خود دانش‌آموز باشد.** در واقع، یادگیری به‌وسیله‌ی یادگیرنده صورت می‌پذیرد و معلم باید روش یادگیری را به دانش‌آموز بیاموزد نه خود یادگیری را. به این ترتیب، یادگیرنده احساس شایستگی می‌کند و این امر موجب رضایت او از یادگیری می‌شود.

به راستی متوجه نشدیم آن روز در پژوهش‌سرا چه‌طور سپری شد. بچه‌ها به زنگ تفریح، هم احتیاج نداشتند و دوست داشتند آن‌جا بمانند. نزدیک پژوهش‌سرا امام‌زاده‌ای وجود دارد که برخی از شهدای شهرمان در آن‌جا آرمیده‌اند. از پژوهش‌سرا بچه‌ها را به آن‌جا بردم و ضمن خواندن فاتحه و ادای احترام به شهدای عزیز شهرمان و توضیح در مورد نوع معماری آن مقبره، درس تاریخ هم برای دانش‌آموزان دیداری شد.